



پی‌جویی مشخصه‌های سبک معماری خراسانی در مساجد صدر اسلام، به جهت روشن سازی روند متروک شدن این سبک

محمد فارسی‌مدان

دانشجوی ارشد باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی. m.h.farsimadan@gmail.com

چکیده

با انقراض سلسله ساسانی و ورود آیین اسلام به ایران، گفتمان معماری ایران مانند دیگر موضوعات روز زمان، دچار تغییر و تحول شد. معماری قدیم ایران که عمده مضامین آن کاخ‌ها بودند، در حدود یکصد سال متوقف شد و سپس ساخت بناهای متعالی در کالبد جدیدی که مساجد بودند، دوباره آغاز گشت. ویژگی‌های این معماری، ترکیبی از سنت‌های ایران زمین و رهنمودهای وارداتی دین جدید بود. این سبک که در میان کارشناسان به سبک خراسانی معروف گشته، دارای شاخصه‌های بارزی است که در مساجدی چون تاریخانه دامغان و جامع فهرج به زیبایی هویدا هستند. هدف از تدوین این مقاله مطالعه مورد به مورد مساجد جامع شاخص قرون اولیه اسلامی ایران است، تا بتوان با مشاهده روند حضور این ویژگی‌ها، به روند کمرنگ شدن این سبک از معماری در قرون اولیه اسلامی پی برد. این مقاله با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: سبک خراسانی، مساجد، مساجد صدر اسلام، تاریخانه دامغان، جامع فهرج، پایان سبک خراسانی.



مقدمه

پس از شکست سپاهیان ساسانی در محل نهاوند به سال 21 هجری، که اعراب آن را فتح الفتوح نامیدند [1]، مقاومت شهرهای ایران یکی پس از دیگری در هم شکست و مناطق گسترده ای از خاک ایران در مدت چند سال به اشغال اعراب درآمد. ایرانیان نه با زور شمشیر، بلکه به تدریج و بیشتر با توجه به جنبه‌های مذهبی، اجتماعی و مزیت‌های اقتصادی به دین جدید گرویدند. این امر نیازمند گذشت زمان و دوره‌ای انتقالی بود. در این دوره ساخت مساجد برای ایرانیان هنوز حائز اهمیت نبود و فقط برای فاتحان و اعراب ساکن اهمیت داشت [2]. مساجدی که در آن دوره ساخته می‌شدند اغلب بسیار ساده بودند و بی‌شباهت به خیمه‌گاه اعراب نبودند [3].

کم کم نیاز به داشتن مساجد بزرگتر در شهرهای ایران احساس شد. از طریق مطالعه آثار مورخان می‌توان به این نتیجه رسید که اولین مساجد بزرگ ایران در زمان خلفای عباسی در شهرهای مهم ایران بنا شده‌اند، نمونه آنها مسجد تاریخانه دامغان است [4]. این نوع مساجد که طرح آنها بر اساس شبستان ستوندار است، در متون محققان غربی به عنوان مساجد با پلان عربی معرفی شده‌اند. اما کریم پیرنیا از جمله افرادی بود که با این نامگذاری مخالف هستند. او عنوان می‌کند که اعراب از خود معماری نداشته و نمی‌توانستند در کشوری که پیشینه معماری چندهزار ساله دارد، اثر گذار باشند [5]. این افراد اولین سبک معماری ایران پس از اسلام را سبک خراسانی برشمرده و برای این سبک 4 ویژگی بیان می‌دارند، که این ویژگی‌ها بدین شرح است: 1- سادگی بسیار در طراحی، 2- پرهیز از بیهودگی، 3- مردم‌واری و 4- بهره‌گیری از مصالح بومی [6]. این شیوه به دلیل اولین بار در خراسان پا گرفته است، خراسانی نامیده شده [7].

مهمترین نشانه‌های سادگی در طراحی را می‌توان در پلان شبستان ستوندار جستجو کرد. این طرح در عین سادگی با هزینه‌ای بسیار کم و سرعت زیاد در اجرا، می‌توانسته به راحتی فضایی سرپوشیده را برای عبادت مسلمانان فراهم آورد. همچنین این طرح از انعطاف‌پذیری مناسبی برخوردار بوده که به دلخواه اجازه بزرگ و کوچک شدن مسجد را بنا بر نیاز زمان فراهم می‌کرده [8]. معماری این دوره تا حد ممکن ساده و خالی از هرگونه شکوه بوده، از ارتفاع زیاد و بی‌مورد پرهیز شده و بنا تا حد امکان کم ارتفاع‌تر ساخته می‌شده. همچنین گچ‌بری و سایر تزئینات پرهزینه از بین رفته‌اند. درخصوص مصالح باید گفت که مصالح تا حد ممکن از ارزانه‌ترین نوع و مصالح موجود در محل انتخاب شده‌اند [9].

پس از معرفی مختصری که در باب ویژگی‌های سبک خراسانی صورت گرفت، با بررسی چهار مورد از مساجد ساخته شده در این دوره که هنوز پابرجا و قابل بررسی دقیق هستند، و برشمردن ویژگی‌های این سبک در هرکدام، به دنبال پاسخ این سوال خواهیم بود که انسجام ویژگی‌های این سبک ایرانی اسلامی اولیه، تا چه زمانی وجود داشته و در چه دورانی و توسط چه کسانی این شیوه رو به زوال نهاده است.

روش تحقیق

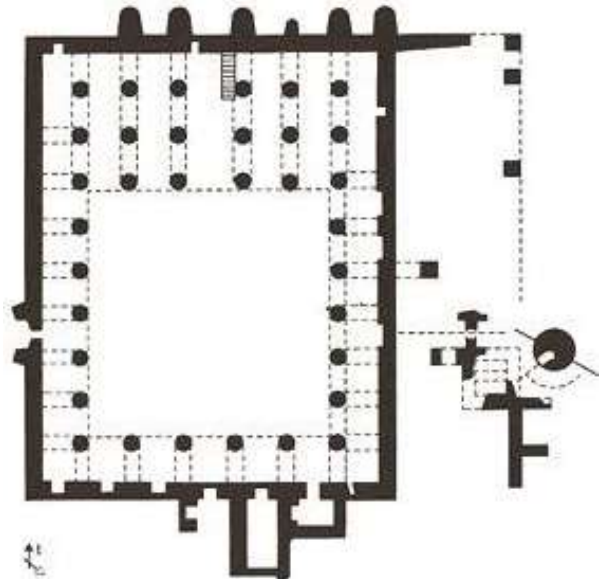
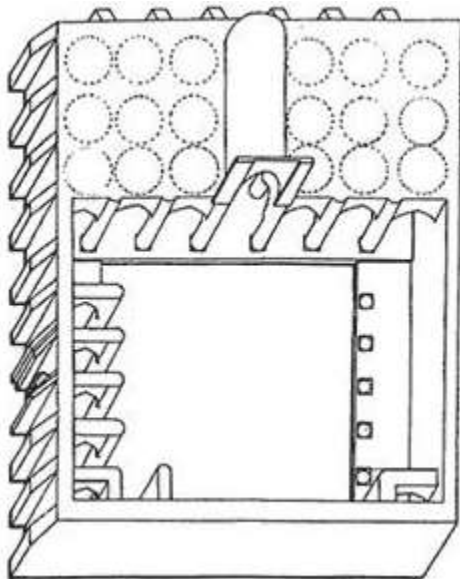
روشی که در تهیه و تنظیم این پژوهش مورد نظر قرار گرفته است، روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر جمع‌آوری منابع مکتوب و دیجیتال می‌باشد. از آنجایی که مطالعات در زمینه معماری صدر اسلام در ایران هنوز بسیار محدود است، در این مقاله سعی شده تا یکی از موضوعات این دوره، که پایان سبک خراسانی است، با ذکر سند و مدرک مورد بررسی قرار گیرد.



مطالعه ویژگی‌های سبک خراسانی در مساجد صدر اسلام

مسجد تاریخانه دامغان

تاریخانه یعنی مسجد جمعه اولیه دامغان، امروزه در حاشیه شرقی شهر قرار دارد. در واقع این مسجد را می‌توان قدیمی‌ترین مسجد جامع در فلات مرکزی ایران دانست. پلان مسجد (تصویر 1) الگوی مساجد پیشین دنیای اسلام را دنبال می‌کند، اما معماری آن رنگ و بوی ساسانی را در خود دارد. ستون‌ها قطور و مدور بوده و شکل آجرچینی شعاعی در ستون‌ها و ابعاد آجرهای قرمز، شبیه کاخ ساسانی دامغان است [10]. این مسئله را به خوبی می‌توان با توجه به اصل بوم‌آورد بودن مصالح و حتی نوع معماری در این مسجد مشاهده کرد. سقف بنا تا حد ممکن کوتاه کار شده [11] که خود نشان از تلاش سازندگان بنا برای مردم‌وارتر کردن بنا دارد. نکته دیگر آنکه تزئینات پرهزینه در مسجد به کار نرفته و تنها به احتمال حاشیه محراب با تزئینات گچ‌بری مشخص می‌شده که در الحاقات بعدی آن نیز از بین رفته است [12]. وسعت نه چندان زیاد مسجد را نیز می‌توان در زمره پرهیز از بیهودگی در سبک خراسانی به شمار آورد. لذا این مسجد را می‌توان به عنوان یکی از کامل‌ترین و اصیل‌ترین مساجد نماینده این سبک دانست. (تصویر 2)



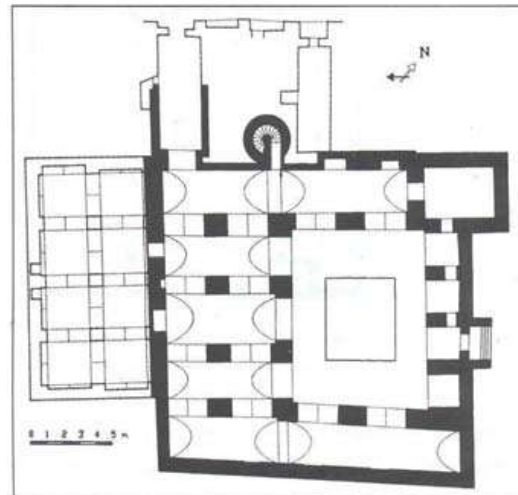
تصویر 1- پلان مسجد تاریخانه دامغان (ماخذ: پیرنیا 1387) تصویر 2- سه بعدی مسجد تاریخانه دامغان (ماخذ: پیرنیا 1387)

مسجد جامع فهرج

مسجد جامع فهرج در روستایی به همین نام در جنوب شرقی شهر یزد و در مسیر بافق قرار دارد. این مسجد به اعتقاد پیرنیا قدیمی‌ترین مسجد ساخته شده در ایران است [13]، اما بنابر بررسی‌های مجدد، ساخت این مسجد به قرن سوم هجری [14][15]، نسبت داده شده است، که با توجه به بحثی که در ادامه خواهیم داشت به نظر صحیح‌تر می‌رسد. نقشه مسجد (تصویر 3)، جایگاه قرارگیری حیاط، شبستان و صفاها، این بنا را به وضوح ساختمانی متعلق به دوره اسلامی معرفی می‌کنند که از ابتدا برای مسجد بودن ساخته شده است [16]. طرح کلی مسجد از یک شبستان و رواقی به دور یک حیاط مرکزی تشکیل شده است. عمق این شبستان دو دهانه و عمق رواق آن یک دهانه می‌باشد. بر فراز هر دهانه شبستان یک قوس کم خیز جناغی، که پاکار آن از سطح جرزهای دو طرف اندکی پیش نشسته، وجود دارد. عرض دهانه میانی شبستان، مانند نمونه مشابه اش در مسجد



دامغان تاریخانه، کمی پهن تر از دو دهانه مجاورش می باشد. این بزرگی دهانه میانی در سمت قبله که بر محراب تاکید می کند، از جمله ویژگی های معماری مساجد ایرانی در این دوران است [17]. با این حال این مسجد در چند مورد از ویژگی سادگی در سبک خراسانی کمی عدول کرده است. تزئیناتی که در مسجد به چشم می خورد یکی ستون های مستطیل شکل و قطوری هستند که در چهارطرف خود نیم ستون های توکار تزئینی دارند که قابل مقایسه با مساجد ابن طولون و حکیم در قاهره می باشند [18]. نمونه دیگری از تزئینات این مسجد سه نوع گچ کاری تزئینی ساده، اما ریشه دار است. یک قوس چند پره در بالای محراب (همانند تاق



کسری)، طرحی مشابه در زیر تاق بر روی دیوار جنوبی شبستان، طرح پله ای شکل بر روی دیوار انتهایی رواق در سمت شمال غربی بنا (که اصالتا ایرانی و مانند کنگره های تخت جمشید بوده و نمونه آن نیز در مسجد حکیم قاهره موجود است) (تصویر 4) و همچنین طرحی به شکل تابش نور بر روی سطح بیرونی قوس جناغی محراب کوچک [19].

تصویر 4- طرح پلکانی (ماخذ انیسی، 1389)

تصویر 3- پلان مسجد فهرج (ماخذ: پیرنیا، 1387)

دو قوس چند پره پشت بسته (کور) با راسی جناغی در نمای شبستان در داخل حیاط دیده می شوند. (تصویر 5) این طرح همچنین در نمای مسجد ابن طولون قاهره و در گوشه سازی گنبد مسجد جامع قدیم مهرآباد ابرکوه قابل مشاهده است. سه جفت قوس جناغی پشت بسته در هر دو نمای شرقی و غربی رواق حیاط مسجد وجود دارند. (تصویر 5) طرحی مشابه با آنها نیز در قسمت، عقب نشسته ورودی مسجد جورجیر اصفهان یافت می شود [20].



تصویر 5- قوس چندپره در سمت چپ و جفت قوس جناغی در سمت راست قابل مشاهده اند. (ماخذ: نگارنده، 1391)

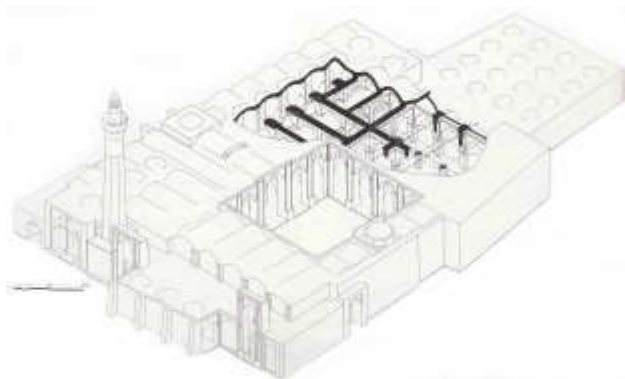


از نظر مردم وار بودن نیز این مسجد نسبت به تاریخانه خضوع کمتری داشته و سقف آن بلندای چشمگیری دارد و معمار آن تلاشی برای کوتاه کردن و مردم واری آن به خرج نداده و همچون ساختمان‌های صدر اسلام شکوهی غرورآمیز دارد [21]. در نتیجه می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که این مسجد کمی متمایل به بازگشت به سنت‌های تزئینی و شکوهمند سازی در پیش از اسلام بوده است که این مطلب با نفس ساده مسجد که در بدو ورود اعراب به ایران پیاده سازی می‌شد در تضاد است.

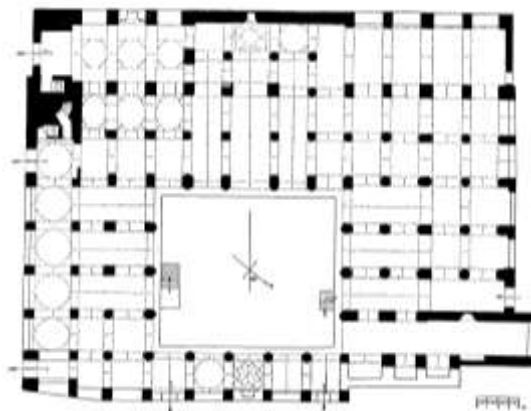
مسجد جامع نائین

نائین در مرز میان دو استان اصفهان و یزد واقع شده است. این مسجد که بنای آن با توجه به شباهت نوع ساخت قوس ورودی‌ها با شکل قوس‌های نمای مسجد جامع اصفهان در مرحله دوم معماری‌اش که متعلق به قرن سوم هجری است [22]، تاریخگذاری شده، می‌تواند یکی از اولین مساجد جامع ساخته شده توسط یک حکومت ایرانی اسلامی، یعنی آل بویه باشد. لذا انتظار می‌رود که شاهد تغییراتی بیشتر نسبت به اصول اولیه سبک خراسانی در این مسجد باشیم.

در مسجد جامع نائین (تصاویر 6 و 7)، حالت افقی‌ای که مسجد تاریخانه به بیننده القا می‌کند، جای خود را به حالت عمود رایج در معماری کهن ایرانی داده که در ستون‌های عظیم تخت جمشید، ستون‌های کشیده سلوکی و ایوان‌های رفیع ساسانی به چشم می‌خورند. وجود تاق‌های جناغی نوک تیز که بلندایشان سه برابر دهانه‌شان است و همچنین وجود ستون‌های استوانه‌ای که نسبت ارتفاعشان به قطرشان بین 13 تا 16 برابر می‌باشند، از مسائلی هستند که کاملاً متفاوت با روح آثار قدیم اسلامی بوده و یک حس هیجان را القا می‌کنند [23]. در واقع خاصیت مردم وار بودن خانه خدا، در این مسجد کم و بیش به دست فراموشی سپرده شده است.

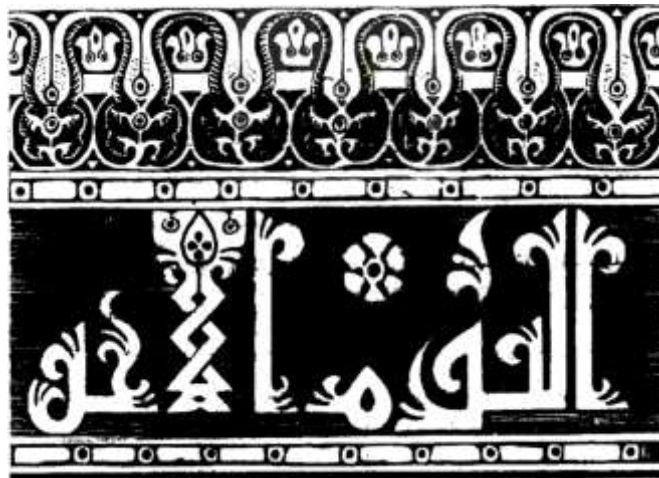


تصویر 7- سه بعدی مسجد جامع نائین (ماخذ: گنجنامه، 1383) [24]



تصویر 6- پلان مسجد جامع نائین (ماخذ: پیرنیا، 1387)

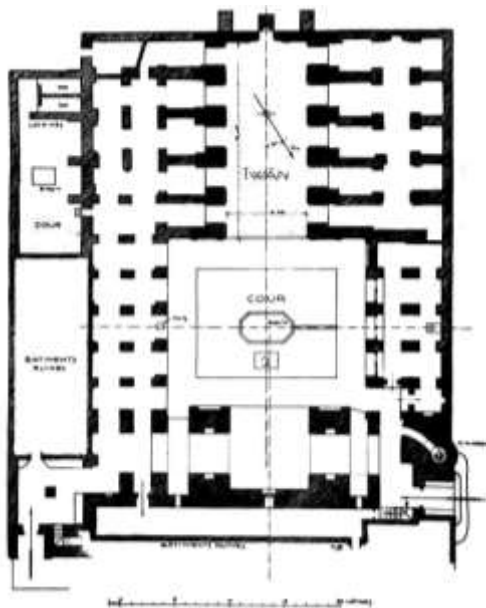
اما این مسجد سرشار از تزئینات پر حجم آجرکاری و گچ‌بری است (تصویر 8). فراوانی آرایش‌ها در این مسجد یک عنصر ایرانی است [25]. روی ستون‌ها، جرزها، زیر کاربندی‌های سمت قبله و خود محراب گچ‌بری‌های بسیار نفیسی کار شده است، و این چیزی است که در شیوه خراسانی از آن پرهیز می‌شده است. با وجود اینکه پس از اسلام از چهره‌نگاره دوری می‌کرده‌اند، اما در گچ‌بری‌ها آمیزه‌ای از چهره مشاهده می‌شود و شاید این تلاشی به جهت باز زنده سازی روش‌های گذشته بوده است [26]. این ساختمان کلا سادگی شیوه خراسانی را ندارد. آرایه‌های گچ‌بری، کاربرد مصالح گرانمایه و جناغی شدن پوشش‌ها و رفعت آنها گویای این مسئله هستند.



تصویر 8- نمونه‌ای از گچ‌بری‌های مسجد جامع نائین (ماخذ: فلاری) [27]

مسجد جامع نیریز

این مسجد نمونه دیگری از ابنیه ساخته شده در اواخر دوره آل بویه است که در نیریز در استان فارس بنا شده است. در این ساختمان در طی قرون متمادی تغییرات مختصری ایجاد شده، اما ملحقات بسیاری به آن افزوده شده است که البته شناسایی بنای با کیفیت اصلی که ایوان ساده‌ای بیش نبوده، از میان ساختمان‌های بی کیفیت متاخر کار سختی نیست [28] (تصویر 9). در واقع پلان این مسجد به خودی خود بی اعتنایی به مساجد اصیل بوده و بازگشتی اساسی به ریشه‌های معماری کهن ایرانی است (تصویر 10). در واقع ارزش مسجد جامع نیریز در آن است که نمونه بسیار خوبی است که ثابت می‌کند اشکال معماری ساسانی در عصر اسلامی هنوز متداول و مرسوم بوده است [29].



تصویر 10- پلان مسجد جامع نیریز (ماخذ: گدار، 1387)



تصویر 9- مسجد جامع نیریز



دوره سامانی و غزنوی

متأسفانه از این دوره مساجدی استوار و برپا باقی نمانده است که بخواهیم در جریان این مقاله به بررسی آن بپردازیم، اما با بررسی آثار دیگر این ادوار، می‌توان به نتایجی پی‌برد. از آن جمله مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا را می‌توان نام برد که پلانی به سبک آتشکده‌های دوره ساسانی [30] (تصویر 11) و همراه با تزئینات بسیار فراوان آجرکاری دارد. همچنین می‌توان از مناره مسعود سوم غزنوی در غزنه افغانستان، برای معماری دوره غزنوی نام برد که دارای پلان ستاره‌ای و تزئینات فراوان بر بدنه خود می‌باشد. در این مناره آجرکاری با نهایت مهارت انجام گرفته است [31] (تصویر 12).



تصویر 12- تزئینات مقبره مسعود سوم



تصویر 11- مقبره امیر اسماعیل سامانی

نتیجه‌گیری

گفتیم که اولین سبک معماری ایران پس از اسلام را خراسانی می‌نامند. چهار ویژگی، سادگی بسیار در طراحی، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری و بهره‌گیری از مصالح بومی را می‌توان برای این سبک برمی‌شمارد. همانطور که بررسی کردیم در مسجد تاریخانه که به اعتقاد گذار قدیمی‌ترین مسجد جامع به دستور خلفای عباسی در ایران است، هر چهار ویژگی مورد نظر سبک خراسانی پیداست و این مسجد را می‌توان کامل‌ترین نمونه این سبک برشمرد. پس از آن نمونه دیگری که با فاصله چند دهه‌ای بعد از تاریخانه ساخته شده، مسجد جامع فهرج است که تنها دو ویژگی از چهار ویژگی سبک خراسانی را داراست. پرهیز از بیهودگی که همان پلان کوچک و جمع و جور آن و دیگری استفاده از مصالح بومی است. اما این مسجد دیگر مردم‌وار نبوده و ارتفاع و شکوه ابنیه ساسانی را به یاد می‌آورد، همچنین این مسجد دیگر سادگی مسجد تاریخانه را ندارد و در ستون‌ها و نماهای مختلف دیوار شاهد تزئینات مختصری با گرایش به هنر پیش از اسلام هستیم. این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه در مسجد جامع نائین اوضاع متفاوت‌تر از گذشته می‌شود و شاید غیر از پلان شبستانی مسجد که بتوان جزو ویژگی سادگی آن در طراحی به حساب آورد، هیچکدام از ویژگی‌های دیگر سبک خراسانی در آن مشاهده نمی‌شوند. تزئینات پرمایه در این مسجد که یادگار دوران آل‌بویه است به همراه وجود تزئینات پیچیده در ابنیه دوره سامانی و غزنوی و پلان‌های نامتعارف برای دوره اسلامی مانند مسجد جامع نیریز، پلان آتشکده‌ای مقبره امیر اسماعیل سامانی و پلان ستاره‌ای شکل مناره مسعود غزنوی، که هر سه از اولین حکومت‌های ایرانی اسلامی هستند، نشان می‌دهد که سبک خراسانی پس از به قدرت رسیدن دوباره ایرانیان در ایران پس از اسلام، به دست فراموشی سپرده شد و سادگی آن دیگر برای نشان دادن قدرت حکمرانان محلی ایرانی مناسب نبوده است. بنابراین در قرن



سوم هجری جریان جایگزینی سبک جدیدی از معماری برای نیل به این هدف با رویکرد به معماری گذشته ایران زمین به راه افتاده است.

مراجع

- [1] بیات، ع. کلیات تاریخ تطبیقی ایران، انتشارات امیرکبیر، 1377. ص 71.
- [2] فینستر، ب. مساجد اولیه ایران، انتشارات پازینه، 1392. ص 28.
- [3] پوپ، آ. ا. ترجمه صدری افشار، غ. معماری ایران، انتشارات انزلی، 1366. ص 78.
- [4] گذار، آ. ترجمه سروقدمقدم، ا. آثار ایران، جلد 4، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1387. ص 13.
- [5] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 132.
- [6] همان. ص 136.
- [7] لطفی زاده، ش. شیوه های معماری ایران: شیوه خراسانی، مجله اثر، شماره 1، 1359. ص 108.
- [8] فینستر، ب. مساجد اولیه ایران، انتشارات پازینه، 1392. ص 75.
- [9] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 138.
- [10] پوپ، آ. ا. ترجمه صدری افشار، غ. معماری ایران، انتشارات انزلی، 1366. ص 80.
- [11] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 141.
- [12] فینستر، ب. مساجد اولیه ایران، انتشارات پازینه، 1392. ص 279.
- [13] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 137.
- [14] فینستر، ب. مساجد اولیه ایران، انتشارات پازینه، 1392. ص 286.
- [15] انیسی، ع. مسجد جامع فهرج ارزیابی مجدد، مجله هویت شهر، شماره 7، 1389. ص 22.
- [16] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 137.
- [17] انیسی، ع. مسجد جامع فهرج ارزیابی مجدد، مجله هویت شهر، شماره 7، 1389. ص 16.
- [18] همان. ص 17.
- [19] همان. ص 19.
- [20] همان. ص 20.
- [21] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 141.
- [22] فینستر، ب. مساجد اولیه ایران، انتشارات پازینه، 1392. ص 326.
- [23] پوپ، آ. ا. ترجمه صدری افشار، غ. معماری ایران، انتشارات انزلی، 1366. ص 85 و 86.
- [24] هیئت مولفین. گنجنامه (مساجد جامع) بخش دوم، انتشارات روزنه، 1383.



- [25] پوپ، آ. ا. ترجمه صدری افشار، غ. معماری ایران، انتشارات انزلی، 1366. ص 86.
- [26] پیرنیا، ک. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، 1387. ص 148.
- [27] فلاری، اس؛ کرباسی، ک. مجله اثر، شماره 22 و 23. ص 152.
- [28] گدار، آ. ترجمه سروقدمقدم، ا. آثار ایران، جلد 3، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1387. ص 322.
- [29] همان. ص 330.
- [30] اتینگهاوزن؛ شرآتو؛ بُمباچی. ترجمه آژند، ی. تاریخ هنر ایران، جلد 7، هنر سامانی و غزنوی، انتشارات مولی، 1394. ص 57.
- [31] همان. ص 90.